

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

اختر شمار

خورده باشم مگر هیچ شیر مادر را که تا دوباره نبوسم دهان ساغر را
ترا به من سر مهر و وفا بدان ماند که تا به کعبه مسلمان کنند کافر را
لبت چو قند، مکرر مکیده آب کنم اگر بدست من آرند این مکرر را
به آب توبه مگر شسته اند دامن من که ساقی از کف من دور کرد ساغر را
تو شادباش، اگرچه به شعله های فراق شبانه یکه و تنها شمارم اختر را
مقدر است که جان در ره تو بسپارم بگیر تیغ و بجا ساز این مقدر را
ز حد گذشت غم و محنت فراق، ولی به دوش میکشم این درد نابرابر را
نگار از پی قتل نشسته است به جنگ ره را نمیکنم آسان، کنار سنگر را
ز من می پرس که زاهد دگر چه میگوید که نزد من سخنش داده رنگ و جوهر را

«اسیر» نام رقیب از چه میبری بزبان؟

مگو که نام وی آلوده ساخت دفتر را

(شهر بن - المان، جولای ۱۹۹۵م)